

زبان آن ناممکن است. به باور دیاگوتف، خط مینی پارسی باستان خطی که برای کتیبه‌های شان به کار می‌بردند در اصل نوآوری مادها بوده. در حالیکه رودیگر اسمیت احتمال میدهد مادها از خط مینی آشوری بهره می‌بردند.

آرتنوس می‌نویسد که خنیاگران با اوراد خود دلاوری‌های کوروش و جنگ‌های او را با آسمان پیش‌گویی میکردند همچنین دینون می‌نویسد که کوروش در خواب دیده که خورشید در پای پیش او بود سه بار کوشید با آنرا دست می‌گیرد ولی موفق نشد زیرا خورشید شرمی خورد و می‌گریخت. مخان بر روی او پیشگویی زدند که سه بار گریختن خورشید به معنای سلطنت سی سال وی خواهد بود و چنین نیز شد. در داستانهای مربوط به کوروش در ادبیات راه یافته است. گزنفون می‌نویسد - ~~تیسرتیها~~ ایرانی‌ها در داستانهای و سرودهای خود که تا این زمان هنوز رایج است، زیبایی و خصایل نیکوی این پادشاه و علاقه مندی او را به فرزندی بازگو میکنند. در جای دیگری آوردند که نام کوروش وارد زبان اهالی ماد بود. هر کسی که در گفتار خویش از او نام می‌برد و مردم در سرودها و تصنیف به تحسین او می‌پرداختند.

هردوت از سرودهای دینی مادی نام می‌برد که به هنگام بزرگداری‌ها آیین‌های نیایش بر روی آیزدها توسط مع‌ها خوانده می‌شد این سرودها که احتمالاً شباهت با آیین‌های اولتا داشته است، به دوره مادها یا حتی پیش از آن بازمی‌گردد. آرتنوس درباره مادها گفته است - "بر برهمنها نیز مانند یونانی‌ها، زردان‌های پهلوان را جشن می‌گرفتند و خدایان را می‌ستایند."

بنا بر دید روایت‌های منشوری و منظومی درباره

تاریخ باستان، افسانه‌های کهن و داستانهای عاشقانه در میان ماده‌ها رواج داشته است. داستانهای مادی را میتوان در دو بخش تقسیم میکنند یکی داستانهای حماسی و دیگری داستانهای عاشقانه

داستانهای حماسی مادی - کتزیاس پیرشد

موضوع اردشیر دوم در کتاب خود "پرسیکا" که در اوایل سده چهارم پیش از میلاد نوشته شده است نمونه ای از داستانهای حماسی مادی را که منجر به برقراری استانی ماده‌ها شده، بیان کرده است. او در این کتاب افسانه‌های مادی و دیگری نیز نقل کرده. این افسانه‌ها دارای شیوه و سبک حماسی و حتی نزدیک به سبک شاهنامه فردوسی است. برای نمونه داستان "پارسوندس پارس" اسارت او به دست حاکم بابل و نژوس و ماجرای رهای او و توان نام برد.

کتزیاس، افسانه زندگی کوروش را بر اساس داستانی حماسی یا افسانه ای که در روزگارش مشهور بوده است، باز میکند بخش‌های پیشین. تاریخی افسانه شاهنشاهی ایران که در کتاب کتزیاس آمده با وجود اینکه آمیخته با داستانها و اسطوره‌های ساسانی است، روایت مادی بشمار می آید. در روایت مادی چندین شاه آشوری نام برده شده است که ماده‌ها خاطره‌های آنها را فراموش نکرده بودند. مثال دیگری از افسانه سمیرامیس، ملکه آشوری که توان یاد کرد. در این روایت سمیرامیس نوزاد را سر لوله گذاشته است و شبانها او را می یابند. جنگاوری و شگرتهای او بر اساس افسانه در شرق ایران یعنی در بلخ و سرزمین اجزا و نهرهای ایران بسیاری دیده می شود که بعدها بازتاب آن در افسانه شیرین و فرهاد می یابیم.